

بازتاب سیره و فرهنگ رضوی در ادبیات دفاع مقدس (موردپژوهی اشعار رضوی معروف عبدالمجید و مشفق تهرانی)

۱. مجید محمدی*، ۲. بهناز نظری**، ۳. فرشته جمشیدی***

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

۳. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۲۷)

چکیده

شعر دفاع مقدس، با شعر آیینی، به‌ویژه سیره و فرهنگ اهل بیت^(ع) آمیخته است. رفتار سیاسی امام رضا^(ع)، برخورد با حکام جور و غاصب عباسی، معاشرت با توده مردم و تأثیرگذاری عمیق ایشان با الگوی عملی بر کسی پوشیده نیست. بر این اساس، سیره و فرهنگ رضوی مبتنی بر فرهنگ پایداری، تأثیری شگرف در ادبیات فارسی و عربی داشته است و جلوه‌هایی از پایداری را در شعر رضوی پدید آورده است. از این میان، «معروف عبدالمجید» و «مشفق تهرانی» از جمله شاعرانی هستند که با سرودن اشعاری سرشار از عاطفه صادق و پویا ارادت خویش را به ساحت امام هشتم ابراز داشته‌اند. یافته‌های این پژوهش حاکی است که بن‌مایه‌های مشترکی چون توسل و التجاء، زیارت، علم و دانش امام رضا^(ع)، غربت و شهادت، ولادت امام^(ع) و شفاعت و نیز در مواردی چون هدایتگری، وراثت پیامبر^(ص)، جود و بخشش، رحمت و کرامت، و از بین بردن ظلم و ستم در شعر هر دو شاعر افتراق‌هایی وجود دارد. هدف این پژوهش، معرفی فرهنگ رضوی به‌عنوان یکی از مبانی ادبیات پایداری و بازنمایی آن در سروده‌های شاعران نامبرده با رویکردی توصیفی-تحلیلی است. نتایج نشان می‌دهد هر دو شاعر به صفات والای انسانی حضرت^(ع) بیشتر توجه نموده‌اند. دلیل این شباهت آن است که هر دو شاعر از سرچشمه قرآن و حدیث بهره گرفته‌اند. مشفق به زیبایی حضرت^(ع) اشاره کرده، در حالی که معروف عبدالمجید به شرافت زائر امام^(ع) اشاره نموده است.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ رضوی، شعر دفاع مقدس، مشفق تهرانی، معروف عبدالمجید.

* نویسنده مسئول (E-mail: mohammadimajid44@gmail.com)

** E-mail: behnaznazari0832@gmail.com

*** E-mail: fereshtehjamshidi1992@gmail.com

۱. مقدمه

پایداری، یکی از واقعیت‌های مهم زندگی بشری و محصول همدلی میهنی یا قومی در برابر گونه‌ای از تجاوز طبیعت بشری است که در کتب مقدس به انجام آن سفارش شده‌است. خداوند در قرآن می‌فرماید که نباید به بهانه دوری از جنگ و تبعات آن، در برابر ظلم تسلیم شد؛ زیرا این امر نشان‌دهنده پذیرش زور است. به همین دلیل، به جهاد در راه حق و دفاع از اسلام و مسلمانان فرمان داده‌است و یکی از جلوه‌های والای آن، جان دادن برای رضای خداوند است: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ (البقره/۲۰۷). با توجه به گستره و گونه‌های ادبیات پایداری و پیشینه آن، می‌توان ادبیات مقاومت انسانی-جهانی و ادبیات مقاومت دینی-آیینی را از تقسیم‌های ادبیات دانست (ر.ک؛ آفاخانی بیژنی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۴). شاعران ادبیات پایداری تحت‌تأثیر درد مشترک و با توجه به رهنمودهای ائمه^(ع)، تلاش می‌کنند تا مؤلفه‌های پایداری را در آثار خود منعکس کنند و به این طریق، مردم را ضمن آشنایی با سبک و روش مقاومت امامان^(ع) در راه مبارزه با اهداف عالی زندگی خود تشویق کنند. آنان در اشعارشان به مهم‌ترین مؤلفه‌های پایداری، با تکیه بر مبانی اسلامی-اعتقادی می‌پردازند و مردم را نسبت به استکبار جهانی بیدار کرده، به جهاد در راه خدا، ترویج فرهنگ ایثار و روحیه شهادت‌طلبی و دوستی و توسل به امام رضا^(ع) تشویق و تحریک می‌کنند (ر.ک؛ همان: ۱۲۹)؛ زیرا:

«شعر، پدیده‌ای هنری است که با عواطف و احساسات و تخیلات آدمی رابطه‌ای مستقیم دارد و اگر در خدمت انسان و تهذیب نفس آدمی قرار گیرد، بسیاری از خواست‌های معنوی او را به کمال مطلوب تواند رساند و از همین جاست که پیامبر^(ص) شعری را می‌ستود که در خدمت اهداف اسلامی بود. می‌دانیم که شاعر با توجه به نمایه‌ها و مصادیق عقیدتی، محیطی و اجتماعی خود، به سرودن شعر می‌پردازد. پس از ظهور اسلام و گسترش آن در ایران، شاعرانی ظهور کردند که شعر خود را با مفاهیم اسلامی درآمیختند، به این نیت که حقایق و معارف الهی را با صبغه هنری عرضه کنند... در دیوان شاعران پارسی‌گوی ما تا زمان تیموریان و صفویان- تا آنجا که دیده‌ایم - اشعار مدحیه با رویکرد مقاومت درباره حضرت رضا^(ع) بسیار اندک است.

از زمان تیموری، به‌ویژه از زمان صفویان، مدایح ارجمندی درباره آن حضرت^(ع) سروده شد» (احمدی بیرجندی و نقوی‌زاده، ۱۳۶۵: ۳ و ۱۶).

شاعران پارسی‌گوی، برای اظهار ارادت و ادب و نیز نشر فضایل امام رضا^(ع)، همچون تقوا، بخشندگی و علم، به مدح و رثای ایشان می‌پردازند که این امر در دوره معاصر هم مانند دوره‌های قبل شایع است. «مشفق تهرانی» و «معروف عبدالمجید» از شاعران معاصر ادب فارسی و عربی هستند که در دیوان خود به مدح و رثای امام^(ع) پرداخته‌اند و با آگاهی از مناقب و فضایل آن حضرت و با بهره‌گیری از منابع معتبر حدیثی، زیبایی‌های شخصیت امام را به نظم کشیده‌اند. آن‌ها علاوه بر اظهار ارادت به ساحت آن حضرت، زمینه‌ای برای پژوهش و تحقیق پژوهشگران و شیفتگان اهل بیت^(ع) فراهم نموده‌اند. نویسندگان مقاله حاضر، بنا بر اصول مکتب‌امریکایی در مطالعات ادبیات تطبیقی، وجوه تشابه و تباین دو شاعر را درباره نوع نگاهشان به ویژگی‌های امام رضا^(ع)، فارغ از هویت مکانی، زمانی و فرهنگی آنان بررسی کرده‌اند. شیوه و روش کار به این صورت است که مضامین یادشده، جداگانه در دیوان دو شاعر مطالعه و مقایسه می‌شوند و شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود میان آن‌ها بررسی شده، به ایباتی که تأثیرپذیری و تأثیرگذاری در آن‌ها به چشم می‌خورد، اشاره خواهد شد. بنابراین، هدف اصلی مقاله، مقایسه تطبیقی مضامین رضوی (اعم از مشترک و متفاوت) در دیوان دو شاعر است.

۱-۱. بیان مسئله

هر نوع ادبی، به‌ویژه ادبیات مقاومت، شاخصه‌های ساختاری و محتوایی بارزی دارد که بن‌مایه اصلی این نوع ادبی را ساخته‌است. بر این اساس، پایداری و الگوپذیری از اهل بیت^(ع) همچنان بنیان اصلی ادبیات پایداری محسوب می‌شود که اغلب در درون‌مایه‌های اشعار متعهد راه یافته‌است. لذا اهتمام به مطالعه و استخراج مفاهیم اخلاقی در سیره و سنت امام رضا^(ع) در دستور کار شاعران متعهد قرار گرفته‌است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که دو شاعر نگاه مشترکی به مضامینی همچون توسل و التجاء، زیارت، خرد و خردورزی امام رضا^(ع)، غربت و شهادت، ولادت امام^(ع) و شفاعت و... داشته‌اند و افزون بر این، مضامین غیرمشترکی همچون هدایتگری، وارث پیامبر^(ص) بودن، جود و بخشش، رحمت

و کرامت و از بین بردن ظلم و ستم، در شعر هر دو شاعر وجود دارد. نگارندگان در این پژوهش برآنند تا با بررسی درون‌مایه‌های موجود در قصاید معروف عبدالمجید و مشفق تهرانی، بازتاب آموزه‌های رضوی را به اثبات رسانند و نیز اشتراکات و افتراقات آن دو را در گذرگاه ادبیات مقاومت بررسی نمایند.

۲-۱. پرسش‌های پژوهش

۱. برجسته‌ترین مضامین رضوی در اشعار پایداری این دو شاعر کدامند؟
۲. وجوه اشتراک و افتراق مضامین رضوی این دو شاعر در چه زمینه‌هایی است؟

۳-۱. ضرورت، اهمیت و هدف

یکی از اصلی‌ترین دلایل ضرورت نگارش این مقاله، بررسی دیدگاه شاعران فارسی‌زبان و عرب‌زبان به موضوع رضوی و اهمیت آن و نیز معرفی مشفق تهرانی و معروف عبدالمجید به عنوان دو شاعر متعهد است. ادبیات تطبیقی یکی از دانش‌های تأثیرگذار در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... است. با توجه به اهمیت چنین موضوعی، تلاش شده است تا ضمن معرفی این دو شاعر عربی و فارسی، به یکی از محورهای اصلی شعرشان، یعنی شعر رضوی بپردازیم.

۴-۱. روش پژوهش و چارچوب نظری

روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است که با بهره‌گیری از منابع، اسناد و ابزار کتابخانه‌ای و نیز فضای مجازی، فرایند پژوهش پیش رفته است. نخست با شرحی از زندگی دو شاعر و آنگاه بررسی مضامین اشتراک و افتراق رضوی صورت پذیرفته است. بررسی این دو اثر بر بنیان دیدگاه‌های مکتب ادبیات تطبیقی آمریکایی استوار است. این مکتب برخلاف مکتب فرانسه، بر این عقیده است که برای تطبیق دو اثر ادبی، نیازی به تقارن تاریخی میان آن دو نیست؛ به این مفهوم که بدون اینکه مبادله‌ای میان دو اثر صورت گرفته باشد و یا اینکه ارتباطی میان دو نویسنده برقرار شده باشد نیز می‌توان به تطبیق دو اثر ادبی پرداخت (ر.ک؛ کفافی، ۱۳۸۲: ۱۴).

۵-۱. پیشینه پژوهش

درباره پیشینه پژوهش، لازم است اشاره شود که تاکنون پژوهش‌های فراوانی پیرامون ادبیات آیینی، شعر رضوی و بررسی سروده‌های شاعران صورت گرفته است؛ از جمله پایان‌نامه «معروف عبدالمجید (معرفی، تحلیل محتوای شعر متعهد شیعی)» (حسینی، ۱۳۹۵) که نویسنده در این پایان‌نامه به معرفی شاعر و تحلیل ابیاتی درباره اهل بیت^(ع) پرداخته است. مقاله «مظاهر قیام حسینی در اشعار معروف عبدالمجید» (ولوی و کوچکی، ۱۳۹۲) که در این مقاله، نویسندگان کوشیده‌اند تا با نشان دادن مظاهر قیام امام حسین^(ع) در اشعار عبدالمجید، به تبیین شرایط سیاسی جامعه عربی، به‌ویژه مصر بپردازند و به این وسیله، اهمیت اشعار او را در افروختن شعله جنبش بیداری اسلامی و انقلاب اخیر مصر هویدا سازند. مقاله «بررسی مدح علوی در دیوان بلون الغار، بلون الغدیر اثر معروف عبدالمجید» (حاجی‌زاده و باوان‌پوری، ۱۳۹۳) که نویسندگان مقاله به شرح زندگی حضرت علی^(ع) پرداخته‌اند و ابیات متحلی به ذکر مناقب امام علی^(ع) را بررسی و تبیین نموده‌اند، اما تاکنون پژوهشی مستقل با عنوان فوق صورت نگرفته است. نگارندگان در این پژوهش برآنند تا مضامین مشترک رضوی و سیمای امام رضا^(ع) در شعر این دو شاعر را تحلیل و بررسی کنند.

۲. بحث و بررسی

سیره و فرهنگ رضوی رویکردی در ادبیات پایداری فراهم آورده که لازمه بررسی آن، نگرشی کاملاً فرهنگی به ادبیات پایداری است. در این رویکرد، بیشتر بر جنبه‌های فکری و فرهنگی ایرانی - اسلامی تأکید شده است و مبانی نظری موضوع، دفاع از جهان‌بینی اسلامی و تفکر شیعی است. بنابراین، جلوه‌های آن نیز نمود فرهنگی دارد و نوعی از ادبیات پایداری را شکل بخشیده است که ادبیات پایداری دینی و آیینی خوانده می‌شود و موضوع آن، بازنمایی سیمای مبارزاتی امام رضا^(ع) و فرهنگ پایداری رضوی است (آقاخانی بیژنی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۳۲). در دوران معاصر، با توجه به ظهور استعمار جدید و فشار امپریالیسم بر مکتب تشیع و به تبع آن، آغاز بیداری اسلامی در کشورهای

مختلف، شعر شیعی نیز رونق خاص خود را پیدا کرده است و شاعران زیادی در نقاط مختلف جهان به دفاع از آرمان‌های این مکتب و ترسیم مظلومیت شیعه و پیشوایان آن با سلاح شعر برخاسته‌اند که از جمله این شاعران، می‌توان به شاعر معاصر و مستبصر مصری، «معروف عبدالمجید» و شاعری فارسی‌زبان، «مشفق تهرانی» اشاره کرد که اشعاری بسیار زیبا با عاطفه‌ای جوشان از عشق اهل بیت^(ع) دارند و غالب اشعار آن‌ها را مدح امامان بزرگوار و اهل بیت^(ع) تشکیل می‌دهد. قصاید و اشعار مذهبی این دو، از یک سو، بیانگر حب آن‌ها نسبت به امام رضا^(ع) و دیگر اهل بیت^(ع) و از سوی دیگر، نشان‌دهنده آگاهی دینی بالای آن‌ها، به‌ویژه در وادی مفاهیم رضوی است. پژوهش حاضر به تبیین جایگاه امام رضا^(ع) به عنوان اسوه‌ای تام در اشعار متعهد معروف عبدالمجید و مشفق تهرانی با تکیه بر رویکرد مقاومت پرداخته است. از این رو، در این جستار برآنیم تا به واکاوی سیره علمی و عملی و شئون اجتماعی آن حضرت با تکیه بر تحلیل گفتمان دینی و نقش‌آفرینی آن در بیداری امت و شعر مقاومت در ادبیات فارسی و عربی بپردازیم. هماهنگی خطوط فکری و سبکی دو شاعر موجب شد که به مقایسه آن‌ها و بررسی وجوه اشتراک و افتراق آنان از گذرگاه ادبیات تطبیقی بپردازیم.

۲-۱. بازتاب سجایای اخلاقی امام رضا در اشعار پایداری دو شاعر

ائمه معصوم^(ع) همواره اسوه و الگوی اخلاق و ادب بوده‌اند و اهتمام به ترویج سیره اخلاقی در طول تاریخ، همواره تنها راه برون‌رفت انسان از بیراه‌های نفسانی است؛ چراکه انسان با این تعالیم، فضای فکری مناسبی را برای خود طراحی می‌کند و آن را به عنوان خط مشی و راه‌برد زندگی خود قرار می‌دهد. از این منظر، ادبیات دینی می‌تواند ابزاری مهم برای اشاعه فرهنگ اسلامی باشد و کارکردی اساسی در حل بحران‌های سیاسی جامعه داشته باشد. شعر رضوی این قابلیت را دارد که انتقال‌دهنده فرهنگ اسلامی و فضائل اخلاقی به نسل‌های بعدی و مخاطبان باشد. شاعران هنگامی که از فضائل و مناقب اهل بیت سخن می‌گویند، علاوه بر اینکه سیره آن‌ها را در هیئت زیبا و قالبی هنری ارائه می‌دهند، به اشاعه اخلاق و ترمیم مسائل زیربنایی جامعه، با بیانی موجز و دور از اطناب می‌پردازند که مخاطبان را به سمت آن سوق می‌دهد. از جمله روایاتی که

سیمای اهل بیت در آن به وضوح تجلی یافته، زیارت جامعه کبیره است که در واقع، توصیف بلند و بلیغی از جنبه‌های عملی رفتار پیامبر^(ص) است. اهل بیت از جنبه‌های عملی و علمی میراث‌دار پیامبر هستند که از آن می‌توان به برپا داشتن عهد و میثاق، اصول و فروع دین، امر به معروف و نهی از منکر برای رشد و تعالی جامعه اسلامی، صیانت از شریعت اسلام از انحراف، برقراری آرامش در امت اسلامی و... اشاره کرد و همه به بهترین وجه در این زیارت بیان شده است:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ، وَ مَوْضِعِ الرِّسَالَةِ، وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ، وَ مَهْبِطِ
الْوَحْيِ، وَ مَعْدِنِ الرَّحْمَةِ، وَ خَزَانِ الْعِلْمِ، وَ مُنْتَهَى الْجَلْمِ، وَأُصُولِ الْكِرَمِ، وَ قَادَةَ الْأُمَمِ، وَأَوْلِيَاءِ
النِّعَمِ، وَ عُنَاصِرِ الْأَبْرَارِ، وَ دَعَائِمِ الْأَخْيَارِ، وَ سَاسَةَ الْعِبَادِ، وَ أَرْكَانِ الْبِلَادِ، وَ أَبْوَابِ الْإِيمَانِ،
وَ أَمْنَاءِ الرَّحْمَنِ، وَ سَلَالَةَ النَّبِيِّينَ، وَ صَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ، وَ عِتْرَةَ خَيْرِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ
وَ بَرَكَاتَهُ» (قمی، ۱۳۶۸: ۳۰۸)؛ یعنی: سلام بر شما ای خاندان نبوت و جایگاه رسالت،
محل نزول فرشتگان و وحی، کان رحمت حق و خزانه‌داران دانش، نهایت بردباری و
بنیان‌های کرامت، پیشوایان امت‌ها و صاحبان نعمت‌ها، ارکان بزرگواری و اساس و
پایگاه خوبان، سرپرست بندگان خدا و پایه‌های استوار شهرها، درهای ایمان و امین
اسرار خدای رحمان، خلاصه دودمان پیامبران و برگزیده فرستادگان و خاندان پیامبر،
برگزیده پروردگار جهانیان، رحمت خدا و برکات او بر شما باد».

از جمله صفات مهمی که همواره نصب‌العین شاعران شیعه بوده، پاکدامنی و عصمت
ائمه است. بر اساس آیه ۳۳ سوره مبارکه احزاب، اهل بیت^(ع) از هر گونه پلیدی و گناهی
به‌دورند و مصداق بارز این آیه هستند: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ
تَطْهِيرًا» (الأحزاب/۳۳)؛ یعنی: «خداوند می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور
کند و کاملاً شما را پاک سازد». طبق این آیه شریفه، می‌توان گفت منظور از «مطهرون»
کسانی هستند که قلب آنان از تعلق به غیر حق تعالی خالی، و تمام سمت و سوی آن
متوجه خداوند است.

از دیگر موضوعات مطرح درباره مداخل رضوی، ذکر فضیلت‌های اخلاقی امام رضا^(ع)
است. شاعران فارسی و عربی ضمن بزرگداشت قدر و منزلت امام^(ع)، با استعانت از صور

خیال، فضائل اخلاقی بی‌شماری را برای ایشان برشمرده‌اند که از آن می‌توان به رأفت و عطوفت امام، برخورد با زیردستان، تعلیم، هدایت‌گری، طهارت و... اشاره کرد. از جمله جلوه‌های رأفت امام رضا^(ع)، نحوه برخورد ایشان با زیردستان است. ابراهیم بن عباس، یکی از یاران حضرت، درباره رفتار و اخلاق اجتماعی ایشان چنین نقل می‌کند:

«هیچ گاه ندیدیم که امام رضا^(ع) با سخنش کسی را بیازارد، سخن کسی را پیش از تمام شدن قطع کند و نیازمندی را که می‌توانست نیازش را برآورده کند، رد نماید و در حضور دیگران پاهایش را دراز کند و به کسی از غلامانش ناسزا بگوید، و به صورت قهقهه خنده کند. خنده او تبسم بود. چون سفره غذا گسترده می‌شد، همه افراد خانه، حتی دربان و خدمتگذار را نیز بر سر آن می‌نشاند» (صدوق، ۱۳۷۳، ج ۲: ۱۸۲-۱۸۳).

این رفتارهای امام رئوف، الگو برای تمام کسانی است که خود را پیرو آن حضرت می‌شمارند. به این ترتیب، انبیای الهی و ائمه معصوم^(ع) بهترین الگوها در زمینه تعلیم برای جامعه بشریت تا امروز بوده‌اند.

از زمره القاب حضرت، «رضا» بود. بیان این مطلب که چرا میان القاب گوناگون آن حضرت، لقب «رضا» معروف است، بی‌ارتباط به موضوع نیست:

«ابن بابویه به سند حسن از بزنی روایت کرده‌است که به خدمت حضرت امام محمدتقی^(ع) عرض کردم: گروهی از مخالفان شما گمان می‌کنند که والد بزرگوار شما را مأمون ملقب به رضا گردانیده‌است، در وقتی که آن حضرت را برای ولایت عهدی خود اختیار کرد. حضرت فرمود: به خدا سوگند که دروغ می‌گویند، بلکه حق تعالی او را به "رضا" مسمی گردانید، برای آنکه پسندیده خدا بود در آسمان، و رسول خدا و ائمه هدی در زمین از او خشنود بودند و او را برای امامت برگزیدند. گفتم: آیا همه پدران تو پسندیده خدا و رسول نبودند؟ گفت: بلی [بودند]. گفتم: به چه سبب او را در میان ایشان به این لقب گرامی مخصوص گردانیدند؟ گفت: برای آنکه مخالفان و دشمنان او را پسندیدند و از او راضی بودند؛ چنانچه موافقان و دوستان از او خشنود بودند، اتفاق دوست و دشمن بر خشنودی او مخصوص آن حضرت بود. پس به این سبب، او را به این اسم مخصوص گردانید» (مجلسی، بی‌تا: ۷۵۷).

از دیگر ویژگی‌های اهل بیت عصمت و طهارت، هدایت نسل بشر است. توصیف هدایت‌گری آن حضرت در کارزار شبهات آن روز، با تکیه بر بصیرت و بینش علوی خویش، و شیوه صحیح مدیریت جامعه و نیز برخی دیگر از خصال ایشان، همچون دستگیری، از دیگر مسائلی است که شاعران از ذکر آن غافل نبوده‌اند.

شاعر، حضرت را با واژه «شاه خوبان» مورد خطاب قرار می‌دهد و عرض می‌کند: ای پسر امام موسی کاظم^(ع) و ای سرور و بزرگ انسان‌های خوب و درستکار، به موجب زهر انگور مأمون ستمگر در غربت به شهادت رسیدی:

«زاده موسی بن جعفر ای شه خوبان، رضا	هم غریب و هم شهید از زهر انگور جفا
جان به قربان تو ای شاهنشاه دنیا و دین	نور چشم فاطمه ای قبله اهل یقین
مظهر ذات خدا و سبط ختم‌المرسلین	در غریبی جان سپردی از جفای مشرکین...»

(مشفق تهرانی، ۱۳۳۴: ۱۳۰).

۲-۲. توسل و التجاء

یکی دیگر از درون‌مایه‌های شعر رضوی، توسل به امام رضا^(ع) و شفاعت خواستن از وی در روز قیامت می‌باشد. توسل و واسطه قرار دادن ائمه^(ع) برای رسیدن به قرب الهی، در لحظه لحظه دفاع مقدس دیده می‌شود و عواطف و احساسات قلبی رزمندگان که با اعتقادات محکم ایشان آمیخته‌است، همواره خواهان رسیدن به سرچشمه معرفت هستند. زائر امام رضا^(ع) با توسل بر او، سرور مردمان در هر دو سراسر است:

«برآوردن حاجات و نیاز نیازمندان از الطاف ائمه هدی بوده‌است و همواره بارگاه و تربت این بزرگواران، حلقه‌های اتصال به درگاه کبریایی قلمداد گردیده‌است و شاعران نیز این بزرگواران و حجّت‌های بالغه الهی را واسطه قرار می‌دهند و بر آن اعتقاد راسخ دارند؛ چراکه کلام آن بزرگوار است که می‌فرماید: مرا شفاعت نکند احدی از شیعیانم که عارف به حقّ من باشد، جز آنکه او را در روز قیامت شفاعت خواهم کرد» (ابن بابویه، ۱۳۸۲: ۳۶۳).

معروف عبدالمجید در قصیده‌ای با عنوان «غریب‌الغرباء» عشق و ارادت خود را به آستان امام رضا^(ع) به تصویر کشیده‌است. در این قصیده، امام رضا^(ع) را که در غربت وفات

یافت، مدح نموده است. وی حضور در حرم امام رضا^(ع) را عاملی برای از بین رفتن غم و اندوه و نیز تاریکی گناه و پذیرش توبه می‌داند:

«وَلِيُّ اللَّهِ، يَا مَنْ عِنْدَ حَضْرَتِهِ
يَزُولُ الْهَمُّ وَالْكَرْبَةُ...
وَتُمحَى ظِلْمَةُ الْأَثَامِ

تَحْتَ جَلَالَةِ الْقُبَّةِ...» (عبدالمجید، ۱۴۲۰ ق: ۶۶).

یعنی: «ای ولی خدا! ای آنکه در بارگاه او غم‌ها و اندوه‌ها از بین می‌رود! و تاریکی گناه زیر گنبد باشکوهت زوده می‌شود...».

شاعر در این ابیات به وضوح اعلام می‌دارد که برطرف نمودن حاجات انسان‌ها و گرم و بخشش، از خصوصیات اخلاقی ایشان است. مشفق تهرانی، نیز به فریادرسی حضرت اشاره دارد، آنجا که وی، حضرت را با واژه «دادخواه خسته‌دلان» مورد خطاب قرار می‌دهد:

«ای قبله حقیقت و ای نور ذوالمنن سرو ریاض مصطفوی میر مؤتمن
ای دادخواه خسته‌دلان یا ابوالحسن گر خوانمت خدای، بری می‌شوی ز من...»
(مشفق تهرانی، ۱۳۳۴: ۴۰).

غالب اشعار مشفق تهرانی درباره امام رضا^(ع)، به مفهوم التجا و شفاعت اختصاص دارد و مشهد همان کعبه شاعر است که حسرت و اندوه درونی او را فریاد می‌زند و درد دل‌های خویش را تنها به محرم اسرار، یعنی ضامن آهو می‌سپارد و امید به شفاعت حضرت در روز قیامت دارد.

همچنین، هر دو شاعر در این ابیات اطمینان خاطر دارند که خواسته آنان نزد حضرت پذیرفته است؛ چراکه این خصیصه جزء ویژگی‌های بارز امام رضا^(ع) است. شاعران به سبب ارادت و علاقه‌ای که به امام دارند، توسل و التجا از جمله مضامین به کاررفته در شعر هر دو شاعر است که بالاترین بسامد را دارد.

۲-۳. زیارت امام رضا^(ع)

وجود بارگاه ملکوتی امام رضا^(ع) نیز از دیرباز موهبتی بزرگ برای ایرانیان محسوب می‌شود. این ارادت نه تنها در میان عامه مردم از هر رنگ و نژادی پررنگ بوده، بلکه

بی‌شک شاعران و نویسندگان هم از این قاعده مستثنی نبوده‌اند و از این وجود مبارک در شعرهای خود بهره جسته‌اند. افزون بر این، زیارت قبور اهل بیت^(ع) به لحاظ تأثیرات معنوی خاصی که در آن نهفته است، یکی از برترین برکات خداوند متعال برای مؤمنان، به‌ویژه شیعیان محسوب می‌شود که بخشی از این برکات معنوی در روایات اهل بیت اشاره شده است. از جمله مواردی که می‌تواند به کارکردهای معنوی زیارت بیفزاید، استفاده از فرصت زیارت برای اصلاح سبک زندگی است؛ به این صورت که وقتی افراد با حرم‌های اهل بیت^(ع) مواجه می‌شوند، ناخودآگاه تحت تأثیر محیط پاک و زلال این اماکن مقدس قرار می‌گیرند و ممکن است این حس معنوی تا مدت‌ها در روح و جان زائران قرار گیرد. پیامبر اسلام^(ص) در قالب روایتی درباره زیارت امام رضا^(ع) فرمود: «به‌زودی پاره‌ای از تن من در سرزمین خراسان به خاک سپرده خواهد شد. هیچ مؤمنی نیست که او را زیارت کند، مگر آنکه خداوند بهشت را بر او واجب و بدنش را بر آتش دوزخ حرام می‌کند» (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۰: ۵۸۵). در روایات متعدد، زیارت امام هشتم برابر ثواب هزار حج، و در صورت زیارت با معرفت، ثواب یک میلیون حج، ثواب انفاق و جهاد در راه خدا قبل از فتح مکه، ثواب هفتاد شهیدی که در رکاب پیامبر جهاد کرده باشند، برخوردار می‌شود از شفاعت امام در روز قیامت، ایمنی از آتش جهنم، ورود به بهشت، آمرزش گناهان به هر میزان، دادرسی به هنگام گرفتاری در روز قیامت در پل صراط و دادگاه عدل الهی و مانند آن‌ها شمرده شده است. یکی از صحابه از امام رضا^(ع) نقل کرده است:

«حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ [ثَقَّةٌ أَمَامِي] قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ [ثَقَّةٌ أَمَامِي] عَنْ أَبِيهِ [ثَقَّةٌ أَمَامِي] عَنْ أَبِي الصَّلْتِ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ [ثَقَّةٌ أَمَامِي] قَالَ: سَمِعْتُ الرَّضَا^(ع) يَقُولُ وَاللَّهِ مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ شَهِيدٌ فَقِيلَ لَهُ فَمَنْ يَقْتُلُكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ شَرُّ خَلْقِ اللَّهِ فِي زَمَانِي يَقْتُلُنِي بِالسَّمِّ يَدْفِنُنِي فِي دَارٍ مَضْبِعَةٍ وَبِلَادٍ غُرْبَةٍ إِلَّا فَمَنْ زَارَنِي فِي غُرْبَتِي كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ أَجْرَ مِائَةِ أَلْفِ شَهِيدٍ وَ مِائَةِ أَلْفِ صَدِيقٍ وَ مِائَةِ أَلْفِ حَاجٍّ وَ مَعْتَمِرٍ وَ مِائَةِ أَلْفِ مُجَاهِدٍ وَ حُشْرٍ فِي زَمْرَتِنَا وَ جُعِلَ فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَّةِ رَفِيقَنَا» (صدوق، ۱۳۶۳، ج ۲: ۲۵۶)؛ یعنی: «ابوالصلت هروی می‌گوید: از رضا^(ع) شنیدم که فرمود: به خدا قسم، نیست کسی از ما جز آنکه مقتول و شهید است. به او عرض شد: یابن رسول الله، چه کسی شما را

می‌کشد؟ فرمود: بدترین خلق خدا در زمان من مرا با زهر می‌کشد و آنگاه مرا در خانه گمگاه و بلادِ غربت به خاک می‌سپارد. آگاه باشید که هر کس مرا در غربتم زیارت کند، خدای - عز و جل - برایش ثواب صد هزار شهید و صد هزار صدیق و صد هزار حج و عمره‌کننده و صد هزار مجاهد بنویسد و در زمرهٔ ما محشور شود و در درجات عالی از بهشت رفیق ما باشد».

علی بن مهزیار از امام جواد^(ع) نقل کرده‌است که به امام عرض کردم:

«جُعِلْتُ فِدَاكَ! زِيَارَةُ الرَّضَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَفْضَلُ أَمْ زِيَارَةُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ؟... قَالَ: زِيَارَةُ أَبِي أَفْضَلٍ، وَذَلِكَ أَنْ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَزُورُهُ كُلُّ النَّاسِ وَ أَبِي صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ لَا يَزُورُهُ إِلَّا الْخَوَاصُّ مِنَ الشَّيْعَةِ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۰: ۳۳۵)؛ یعنی: فدایت شوم، زیارت امام رضا(ع) برتر است یا زیارت اباعبدالله الحسین(ع)؟... فرمود: زیارت پدرم برتر است. برتری زیارت پدرم از زیارت امام حسین^(ع) از آن روست که امام حسین^(ع) را همهٔ مردم زیارت می‌کنند، ولی پدرم را جز خواص از شیعیان زیارت نمی‌کنند».

امام رضا^(ع) نیز فرمودند: «كَانَ فِيمَا نَاجَى اللَّهُ مُوسَى إِنَّهُ مَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ الْمُتَّقِرُّبُونَ بِمِثْلِ الْبُكَاءِ مِنْ حَشِيَّتِي» (عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۱: ۱۷۷)؛ یعنی: «در آن چیزهایی که خداوند با موسی مناجات کرد، آمده‌است که متقربان به سوی من، با چیزی همانند گریه از خوف من، به من تقرب پیدا نمی‌کنند».

قبور ائمهٔ اطهار^(ع) از جمله مکان‌های مقدس و پاکی است که محل رفت‌وآمد فرشتگان است و قبر مطهر امام رضا^(ع) در طوس نیز یکی از این مکان‌های مقدس است. سخن امام رضا^(ع) مَهر تأییدی بر این ادعاست: «إِنَّ بِخُرَّاسَانَ لَبُقْعَةً يَأْتِي عَلَيْهَا زَمَانٌ تَصِيرُ مُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ، فَلَا يَزَالُ فَوْجٌ يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَفَوْجٌ يُصْعَدُ إِلَيَّ أَنْ يُنْفَخَ فِي الصُّورِ، فَقِيلَ لَهُ: وَآيَةُ بُقْعَةٍ هَذِهِ؟ فَقَالَ: هِيَ بَارِضِ طُوسٍ، وَهِيَ وَاللَّهِ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ» (همان، ج ۱۴: ۵۶۷ و مجلسی، بی‌تا، ج ۹۹: ۳۱). از امام رضا^(ع) روایت شده که فرمود: «در خراسان قطعه زمینی وجود دارد که زمانی برایش می‌آید که محل رفت‌وآمد فرشتگان می‌شود. پس همیشه گروهی از فرشتگان از آسمان به سمت آن زمین نازل می‌شوند و گروهی از زمین به آسمان می‌روند، تا روزی که در صور دمیده شود. پس از

حضرت سؤال شد: این زمین کجاست؟ فرمود: این زمین در سرزمین طوس است. به خدا قسم، این زمین باغی از باغ‌های بهشت است».

مشفق تهرانی نیز با آگاهی از این احادیث، معتقد است روح‌الأمین (جبرئیل) که یکی از چهار فرشته مقرب خداست، در آستان مقدس امام^(ع) حضور دارد و خادم حضرت^(ع) است. این بیت او نشان می‌دهد که وی نیز از احادیث معتبر ائمه^(ع) در غنا بخشیدن به شعر خود بهره برده‌است. مسلماً زمانی که سرور و بزرگ فرشتگان خادم پیشگاه حضرت^(ع) است، تمام فرشتگان نیز فرمانبر و خادم آن حضرت هستند:

«تردید دارد حدوثی و یا قدم
انوار حق ز روی تو گردیده مرتسم
در آستان قدس تو روح‌الأمین خدام
در مدحتت سرود خدا نون والقلم»
(مشفق تهرانی، ۱۳۳۴: ۳۹).

یا در جایی دیگر، علت آمدن فرشتگان به حرم حضرت را زیارت و دادن سلام به امام^(ع) می‌داند که فرشتگان برای زیارت ایشان می‌آیند:

«جان به قربان جلالت ای شه عالی‌مقام
بر درت خیل ملائک آید از بهر سلام»
(همان: ۳۹).

معروف عبدالمجید نیز طوس (مشهد) را همچون آسمانی از طلا، و گنبدش را به ستارگان در این آسمان تشبیه کرده‌است و نیز می‌گوید که خورشید هم از شوق زیارتش

هیچ گاه پنهان نمی‌شود:

«و طُوسُ الْإِمَامِ هِيَ الْجَوْهَرَةُ...
وَقَبْتُهُ نَجْمَةٌ فِي السَّمَاءِ
تُكْبَرُ حَتَّى تُصَلِّيَ
جُمُوعُ الْمَلَائِكَةِ الْمُكْرَمِينَ
وَمَشْهَدُهُ لَيْلَةٌ مَقْمَرَةٌ...
وَإِنْ غَابَتِ الشَّمْسُ دَاتَ صَبَاحٍ
وَقَتَّتْ عَنْهَا...»

تَجِدُهَا أَنْتَ لِلرَّضَا زَائِرَةٌ...» (عبدالمجید، ۱۴۲۰ق: ۶۶).

یعنی؛ «طوس (امام^(ع)) همچون طلاست... / و گنبدش همچون ستاره در آسمان / بزرگ می‌شود تا برسد / به تمامی فرشتگان مکرم / و نظاره‌گر آن، شبی مهتابی... / اگر خورشید همان روز ناپدید شود / و در جستجوی آن... / آشکار می‌شود هنگامی که برای زیارت امام رضا^(ع) آمده‌است».

شاعر در جای دیگر، قصد زیارت خود به سوی آستان رضوی را توبه و طلب بخشش بیان می‌کند و چنین می‌سراید: «الْيَكْ أَتَيْتُ شَيْعِيًّا لِرَفْعِ عِنْدَكَ التَّوْبَةَ» (همان)؛ یعنی: من در حالی که شیعه و پیرو مکتب شما هستم، به سوی شما می‌آیم، تا توبه خود را به درگاه شما ابراز نمایم».

۴-۲. علم و دانش امام رضا^(ع)

درباره علم آن حضرت آمده‌است: «امام هشتم دانش خود را از جدش، پیامبر خدا^(ص)، به ارث برده‌اند و سرچشمه جوشانی از علم و فضیلت بودند که تشنگان دانش و معرفت از فیض او بهره می‌بردند و تشنگی خود را برای فهم مشکلات و حل معضلات، بدو فرومی‌نشانند» (فضل‌الله، ۱۳۸۲: ۴۸). همچنین، روایات متعددی پیرامون علم و آگاهی والای امامان بزرگوار وجود دارد که بر اهمیت جایگاه ایشان تأکید دارد. آیه‌ای در سوره نساء بدین مضمون آمده‌است: ﴿وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّعَوْا بِهٖ وَتَوَّأَنُوا لِلرَّسُولِ وَآلِیْهِ الْأَوْلَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلَّہُمُ الَّذِیْنَ یَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْأَ فَضَّلَ اللَّهُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّیْطَانَ إِنَّا قَلِیلًا﴾ (النساء / ۸۳)؛ یعنی: «و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آن‌ها برسد، (بدون تحقیق) آن را شایع می‌کنند، در حالی که اگر آن را به پیامبر و اولوالأمر از میان مسلمین که آگاهی کافی و قدرت تشخیص دارند، ارجاع دهند، آن‌ها که اهل ریشه‌یابی مسائل هستند، از آن آگاه خواهند شد و اگر فضل و رحمت خدا نبود، همه شما جز عده کمی از شیطان پیروی می‌کردید». در آیه‌ای دیگر، خداوند می‌فرماید: ﴿...فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِن كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (النحل / ۴۳)؛ یعنی: «از کسانی که اهل علم و دانشند، پرسید اگر چیزی را نمی‌دانید». شاعر به دانش، خرد و عظمت امام اشاره می‌کند و او را به‌عنوان وارث پیامبر اکرم^(ص) بیان می‌کند. چنان‌که امام علی^(ع) فرمودند: «نَحْنُ شَجَرَةُ النَّبُوَّةِ وَ مُخْتَلِفُ الْمَلَائِكَةِ وَمَعَادِنِ الْعِلْمِ» (مجلسی، بی‌تا، ج ۲۶: ۲۶۵)؛ یعنی: «ما درخت نبوت و محل رفت‌وآمد

فرشتگان و معدن‌های علم هستیم». امام رضا^(ع) در جایگاه معلم جامعه بشریت، در بسیاری از روایات خویش، به تعلیم روش گفتگو و چگونگی بهره‌گیری از قرآن کریم پرداخته‌اند (ر.ک؛ هادیان، ۱۳۹۴: ۱۴۰). شاعر بر همین ویژگی هدایت‌گری اهل بیت^(ع) تأکید کرده‌است و برای بیان این ویژگی، امام رضا^(ع) را منبع کرامت و علم و تقوی دانسته‌است:

«أَيُّهَذَا الصَّبِيِّ الْمَتَّوِّجِ بِالْعِلْمِ وَالْحُكْمِ
يَحْمَلُ فِي رَأْسِهِ التُّجُومَ
وَيَخْطُو كَمَا الْجِلْمُ بَيْنَ النَّخِيلِ
أَيُّهَذَا الْمَوْشِحِ بِالْمُخْلِ الْيَثْرَبِيِّ
يُزْفِرُقُ كَالْعَنْدَلِيبِ عَلَى الْغُصْنِ
فِي دُوْحَةِ الْمُصْطَفَى
أَيُّهَذَا الصَّبِيِّ الْجَمِيلِ...!
يَا ابْنَ سَعٍ... سَمَا
فَوْقَ عَرْشِ الْمُلُوكِ
وَحَبَا فِي مَقْلَتِهِ الْإِمَامَةَ
ثُمَّ تَوَلَّى لِيُدْفِنَ بَيْنَ ضُلُوعِ الثَّرِيَا
أَبَاهُ الْقَتِيلِ...» (عبدالمجيد، ۱۴۲۰ ق: ۱۳۰-۱۳۱).

یعنی؛ «ای کودکی که (به زیور) علم و حکمت سروری یافته‌ای / و در کف دستانت، ستارگان را حمل می‌کنی، / می‌پیمایی، چنان‌که بردباری بین نخل‌ها. / این موشح مخالف ادبیات یثرب است؛ / مانند بلبل بر روی شاخه درخت، / بر روی درخت تنومند (مصطفی) پیامبر / ای کودک زیبا...! / ای فرزند هفتمین... آسمان / (ای) آسمان روی عرش پادشاهان / (پدر) در امامت خود محو شد. / سپس متولای آن شد که (وی را) بین شاخه‌های ثریا دفن کند. / پدرش کشته شده‌است!...».

در احادیث، درباره علم امام رضا^(ع) آمده‌است:

«قَالَ: أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَقَدْ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) فِي الْمَنَامِ وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) مَعَهُ، ثُمَّ وَصَفَهُ (الْإِمَامُ الرِّضَا (ع)) لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: عَلَى ابْنِكَ الَّذِي يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ، وَيَسْمَعُ بِتَفْهِيمِهِ وَيَنْطِقُ بِحِكْمَتِهِ، يُصِيبُ وَلَا يُخْطِئُ، وَيَعْلَمُ وَلَا يَجْهَلُ، قَدْ مَلِئْتُ حِكْمًا وَعِلْمًا» (مجلسی، بی‌تا، ج ۴۸: ۱۳)؛ یعنی: «امام

کاظم^(ع) ضمن حدیثی فرمود: رسول خدا^(ص) و امیر مؤمنان^(ع) را به همراه آن حضرت در خواب دیدم. سپس رسول خدا^(ص) وی (امام رضا^(ع)) را برای من توصیف نمود و فرمود: علی^(ع) پسر توست که با نور خدا می‌بیند و با تفهیم او می‌شنود و با حکمت او سخن می‌گوید. او راه راست می‌رود و اشتباه نمی‌کند، دانشمندی است که (علم او) به چهل نمی‌گراید و لبریز از بردباری و دانش شده‌است».

مشفق نیز به علم حضرت اشاره می‌کند و ایشان را دریای حقایق می‌داند:

«بحر حقایقی و سپهر کرامتی از روضه تو خلد برین است آیتی»
(مشفق، ۱۳۳۴، ج ۱: ۳۹).

چنان که پیش از این اشاره شد، امام رضا^(ع) سرچشمه کرامات و اُسوه تام بشری هستند. مشفق تهرانی با تاسی به این مضمون در بیت فوق، گوشه‌ای از هنرنمایی‌های خویش را در زمینه تبلور این فریضه، چون تابلویی زیبا به تصویر کشیده‌است.

۵-۲. غربت و شهادت امام رضا^(ع)

یکی دیگر از جلوه‌های رضوی که در شعر دفاع مقدس نمود پیدا کرده، هجرت از وطن برای حفظ اسلام و غربت آن امام غریب است. مهاجرت اجباری از مدینه به خراسان و پس از آن، شهادت در غربت طوس، خورشید ثامن^(ع) را غربت مجسم تاریخ ساخته‌است و به لقب «غریب‌الغربا» مشهور کرده که از درد غربت آشناست. اهل بیت^(ع) همواره چراغ هدایت و مظهر ایستادگی در برابر ظلم و ستم حاکمان زمان خود بوده‌اند که هر کدام به نحوی به شهادت رسیده‌اند. امام رضا^(ع) از سلاله این خاندان عصمت و طهارت است که «به غربت فراخوانده شد و در غربت به شهادت رسید. شهیدان دور از وطن نیز به مولای غریب خویش اقتدا کردند. رشادت و شهادت دلاوران میهن باعث سعادت و سربلندی کشور شد و به آن‌ها آموخت، تا حامی میهن و راهرو شهدا و رزمندگان باشند» (یوسفی و منتظرپناه، ۱۳۹۳: ۵). امام رضا^(ع) می‌فرماید: «إِنِّي مَقْتُولٌ بِالسَّمِّ ظَلَمًا وَمَدْفُونٌ فِي مَوْضِعٍ غُرْبَةٍ، فَمَنْ شَدَّ رَحْلَهُ إِلَى زِيَارَتِي أَسْتَجِيبُ دَعَاؤَهُ وَغُفِرَ لَهُ ذُنُوبُهُ» (حرر عاملی، ۱۳۲۰، ج ۱۴: ۵۶۲)؛ یعنی، «من به ستم با سم شهید می‌شوم و در غربت دفن می‌شوم. پس هر کس به زیارت من بیاید، دعایش مستجاب و گناهانش آمرزیده می‌شود». شاعر معتقد است که امامت در حضور امام^(ع) نهفته‌است و در رسیدن به آن نیز مانند پدر خود به دست یک جاهل و

متکبر به شهادت رسید. چنان که اشاره شد، شخصیت امام رضا^(ع) به گونه‌ای بود که توده‌های مردم به سوی او جذب می‌شدند و این پایگاه تهدیدی برای مأمون محسوب می‌شد و به همین علت:

«سعی مأمون بر جدا کردن امام از این موضع بود و به دلیل شناخت امام و سیره پاک ائمه اطهار، خواست با پذیرش مقام ولی‌عهدی، وانمود کند رهبر مبارزه و پیشوای جنبش مکتبی، با پذیرفتن ولایت‌عهدی، قصد رسیدن به حکومت دارد، ولی موقعیت، او را یاری نمی‌کند. اما امام که به این اندیشه آگاه بود، پا به صحنه سیاسی می‌گذارد و امت را از فضای سیاسی متزلزل و آسیب‌دیده نجات می‌دهد. وارد شدن ایشان به صحنه زمانی بود که امت اسلامی، همزمان با ترجمه کتاب‌های غربی و شرقی آکنده از شرک و کفر و تسلیم‌گرایی در برابر حکومت و نیز در بحبوحه انتشار اندیشه‌های الحادى به سر می‌برد و اینچنین بود که امام به ایفای نقش مکتبی خود پرداخت» (ر.ک؛ مدرسی، ۱۳۷۲: ۲۷۸).

از آنجا که امام^(ع) در سال‌های پایانی عمر پربرکت خویش از زادگاه خود دور بودند و در طوس اقامت داشتند و در میان اقوام خود و در شهر خود به شهادت نرسیده‌اند، شاعران اهل بیت^(ع) در اشعار خود، غریبی و شهادت ایشان را با سوزوگداز خاصی ترسیم می‌کنند. مشفق تهرانی نیز به غریبی و شهادت حضرت اشاره می‌کند و آن حضرت را مخاطب قرار می‌دهد و می‌گوید: «ای مظهر ذات خدا و ای نوه رسول اکرم^(ص)، به سبب ظلم و ستم مشرکان، در غربت به شهادت رسیدی»:

«مظهر ذات خدا و سبط ختم‌المرسلین در غریبی جان سپردی از جفای مشرکین»
(مشفق، ۱۳۳۴، ج ۱: ۱۳۰).

شاعر در جایی دیگر، امام رضا^(ع) را «امام ممتحن» خطاب می‌کند و ماجرای شهادت ایشان را به موجب زهر مأمون در غربت و با غم و رنج و محنت به تصویر می‌کشد:

«ای غریب طوس ای مقتول مأمون دغا	ای شه دور از وطن، مسموم انگور جفا
مظهر شمس‌الشموس ای کشته راه خدا	در جنان موسی بن جعفر از غمت اندر عزا
ای شهید از زهر مأمون ای امام ممتحن	در غریبی کشته گشتی با غم و رنج و مَحَن»

(همان).

معروف عبدالمجید نیز با بهره‌گیری از سبک قرآنی و «یالیتنی»، به شهادت امام رضا^(ع) با سَم اشاره می‌کند و آرزو می‌کند که اگر شمشیر بود، دست کسانی را می‌برید که او را سَم نوشاندند، و نیز آرزو می‌کند عمر امام رضا^(ع) همچون رودخانه جاودان بماند:

«فَيَا لَيْتَنِي كُنْتُ سَيْفًا
لَقَطَعْتُ تِلْكَ الْأَيَادِي
فَلَمْ تَزْرَعْ السَّمَّ بَيْنَ الْوُرُودِ
وَلَمْ تَمْنَعْ الْمَاءَ عَن
مِهْرَجَانَ الشَّجَرِ...
و يَا لَيْتَنِي كُنْتُ نَهْرُ الْخُلُودِ
لَأَعْطَيْتُ كُلَّ بَقَائِي

لِعُمْرِ الرَّضَا» (عبدالمجید، ۱۴۲۰ق: ۱۳۸-۱۳۹).

یعنی؛ «ای کاش، شمشیر بودم/ تا آن دست‌ها را قطع می‌کردم/ که در بین گل‌ها سَم نمی‌کاشتند/ آب را از درختان منع نمی‌کردند/ ای کاش، رودخانه‌ای ماندگار بودم/ تا باقی عمرم را برای طول عمر رضا^(ع) می‌بخشیدم».

در جایی دیگر، شاعر به نیت شوم و توطئه خلیفه عباسی برای شهادت امام رضا^(ع)

اشاره می‌کند:

«و شَوْقُ الْخَلِيفَةِ كَانَ
بِأَنْ يُسْقَى الْبَدْرَ سُمًّا
فَيَغْرِبَ خَلْفَ التَّلَالِ
و يَخْفَتَ فِي الْعُرْبَةِ الْقَاتِلَةِ...!
لَمْ يَكُنْ لَيْلُ طُوسٍ لِيَنْجَبَ
إِلَّا بِهَذَا الْقَمَرِ...» (همان: ۱۳۷).

یعنی؛ «و اشتیاق خلیفه در آن بود/ که زهری را به این ماه تابان بنوشاند/ تا در پس تپه‌ها غروب کند/ و در غربتی کُشنده خاموش گردد/ اما دیگر، سرزمین طوس جز این ماه/ آبستن ماه دیگری نبود».

شاعر با استفاده از واژه‌های «بدر» و «قمر» به زیبایی مقام و منزلت والای امام رضا^(ع) را بازگو می‌کند و به مقدس بودن سرزمین طوس اشاره دارد؛ قداستی که در این دیار و سرزمین، از نورانیت ماه تابانی می‌گیرد که بیکر مطهرش را در بر گرفته‌است:

«شَهِيدُ الظُّلْمِ وَالسُّلْطَانِ
لَفَّ مَرَّاسَهُ الدَّامِيَّ عَلَى الرَّقْبَةِ...!
أَبَا الْعُرَبَاءِ...
يَا مَنْ مِتَّ فِي الْعُرْبَةِ...
رَضَا قَدْ عَشْتُ مَرْضِيًّا» (همان: ۶۷).

یعنی؛ «شهیدی که ظالمانه کشته شد و پادشاه/ سختی‌ها را بر گردن خود پیچید (گردن گرفت) / پدرِ غریبان... / ای کسی که در غربت جان باخت... / رضا^(ع) تو خشنود زندگی کردی».

۲-۶ ولادت امام رضا^(ع)

عبدالمجید شب میلاد امام رضا^(ع) را به تصویر می‌کشد که شب میلاد وی، همچون ستاره‌ای درخشان در آسمانی تاریک است که همه چشم‌ها از برق و شادی این تولد گریانند و مانند حرکت کردن ابرها و جاری شدن چشمه‌ها، همواره این شادی در جریان است:

«بَكَيْتُ يَوْمَ أُغْرِّ
وَبَيْنَ يَدَيَّ شُمُوعٌ وَبُشْرَى
بِمَوْلِدِ نَجْمٍ تَأَلَّقَ فِي لَيْلَةٍ دَاجِيَةٍ
وَرَبَّ عَيْونٍ بَكَتْ فَرِحَةً
مِثْلَ صَوْبِ الْغَمَامِ
وَدَفَقَ الْيَنَابِيعَ
وَالسَّاقِيَةَ» (همان: ۱۴۴).

یعنی؛ «یک روز گریه کردم/ و شمع‌ها در میان دست‌هایم و مزده به / تولد ستاره‌ای که می‌درخشد در شب تاریک/ و چشمانی که از شادی گریه می‌کرد؛/ مانند حرکت ابرها/ و جریان چشمه‌ها / گردش آب».

مشفق نیز همانند همتای عرب خود، شب میلاد امام^(ع) را که از دامن مادری فرزانه و پاک دیده به جان گشوده، به تصویر می‌کشد:

«در سحرگه اندرین فرخنده‌شب از نجمه‌خاتون گوهر ذات علی از بحر وحدت گشت بیرون
مهر رخسار رضا از مشرق دین شد چو مشحون فخر بنمود آفتاب طلعتش بر ماه گردون»
(مشفق، ۱۳۳۴، ج ۱: ۶۶).

شاعر در جای دیگری، شب جمعه ماه ذی‌قعدة (میلاد امام رضا^(ع)) را آغاز رحمت و کرامت بر جهانیان می‌داند:

«لیل جمعه در مه ذی‌قعدة این فرخنده مولود در سرای نجمه‌خاتون در حقیقت جلوه بنمود
لیله عظمی است امشب بهر این مولود مسعود حق تعالی باب رحمت را بر وی خلق بگشود»
(همان).

۲-۷. امام رضا^(ع) شفاعت‌کننده

در روایات آمده‌است: «قَالَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ زَارَنِي عَلَى بُعْدِ دَارِي، أَتَيْتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ثَلَاثِ مَوَاطِنٍ حَتَّى أَخْلَصَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا: إِذَا تَطَايَرَتِ الْكُتُبُ يَمِينًا وَشِمَالًا، عِنْدَ الصَّرَاطِ وَعِنْدَ الْمِيزَانِ» (مجلسی، بی‌تا، ج ۹۹: ۳۴)؛ یعنی: «کسی که با وجود دوری راه، به درگاه و مزار من برای زیارت‌م بیاید، روز قیامت در سه جا (برای شفاعت او) نزد او خواهیم آمد و او را از ترس آن موقوف‌ها رهایی خواهیم بخشید: نامه‌ها (اعمال) در راست و چپ به پرواز درآیند، نزد پُلِ صراط و نزد میزان (محلّ سنجش اعمال)». شاعر عرب نیز در مقام مدح حضرت، ایشان را شفیع روز جزا می‌داند:

«أَبْهَذَا الْغَرِيبِ
يَمْزُقُنِي إِلَيْهِمْ سَلُوقًا فَسَلُوقًا
وَتَقْتُلُنِي الْوَحْدَةَ الْقَاسِيَةَ...
وَعُدْرًا أَيَا حُجَّةَ اللَّهِ فَوْقَ الْعِبَادِ
وَيَا شَافِعًا عِنْدَ هَوْلِ الْمَعَادِ

وَيَا هَادِيَ الْفِرْقَةِ النَّاجِيَةِ...» (عبدالمجید، ۱۴۲۰ ق: ۱۴۴).

یعنی؛ «یا (امام) غریب! / غم‌هایم آرام آرام از بین می‌روند / ای حجت خدا برای بندگان. / ای شفیع (بندگان) در برابر سختی قیامت / ای هدایتگر نجات‌یافتگان».

مشفق تهرانی نیز حضرت را با واژه «شفیع‌المجرمین» خطاب می‌کند که شفاعت‌کننده و سرور همه انسان‌ها می‌باشد:

«ای شهید از زهر کین، یا سیدی یا سیدی / یا شفیع‌المجرمین یا سیدی یا سیدی» (مشفق، ۱۳۳۴، ج ۱: ۱۳۰).

۳. نتیجه

با بررسی اشعار متعهد با محوریت پایداری هر دو شاعر درباره امام رضا^(ع) نتایج زیر حاصل شد: - یکی از جلوه‌های بارز شعر دفاع مقدس، آموزه‌هایی است که از سیره اهل بیت^(ع) در فرهنگ مسلمانان به یادگار مانده است. سیره حسنه امام رضا^(ع) و فرهنگ رضوی، بازتاب گسترده‌ای در شعر و ادب فارسی و عربی، به‌ویژه دفاع مقدس است. مهم‌ترین موضوعاتی که شاعران درباره امام رضا^(ع) به تصویر کشیده‌اند، عبارتند از: توسل و التجاء، زیارت، علم و دانش امام رضا^(ع)، غربت و شهادت، ولادت امام^(ع) و شفاعت، هدایتگری، امام^(ع) وارث پیامبر^(ص)، جود و بخشش، رحمت و کرامت و از بین بردن ظلم و ستم در شعر هر دو شاعر وجود دارد.

- پس از تحلیل اشعار هر دو شاعر که رگه‌هایی از مضامین پایداری را در خود جای داده‌اند، می‌توان گفت که به سبب وجود مرقد مطهر امام رضا^(ع) در ایران، این مضمون در شعر شاعران فارسی‌زبان تأثیر بیشتری نسبت به شعرای عرب‌زبان داشته است. افزون بر این، از میان جلوه‌های پایداری در شعر هر دو شاعر، مضامینی چون شفاعت، توسل، دستگیری از محرومان، پیروی از سنت پیامبر و تعالیم و آموزه‌ها، مدح و ستایش امام رضا^(ع)، شهادت مظلومانه ایشان، عدالت‌محوری، دادگری و الگوپذیری از ایشان، بسامد بالایی دارد. در کنار شباهت‌هایی که هر دو شاعر آن را بیان داشته، تفاوت‌هایی نیز به چشم می‌خورد. در شعر مشفق، مدح و ستایش حضرت تا مرحله کمال و مقام یک انسان حقیقی متجلی می‌بینیم که معنای حقیقی وارستگی را در حافظه تاریخ به ثبت می‌رساند و در شعر معروف عبدالمجید، شاعر با گریز به جایگاه والای امام رضا^(ع) در مرتبه الگوی

والای مسلمانان، عزت و رشادت خاندان اهل بیت^(ع) را در مبارزه علیه ستم و بیداد حاکمان وقت استنباط می‌کند. هر دو شاعر متعهد توانسته‌اند تا با فراخوانی شخصیت‌های دینی و تاریخی تشیع و نکوهش تسلیم و سازش در برابر ظلم، اراده ملت اسلامی را برانگیزانند و تنها به بُعد عاطفی و احساسی شهادت مظلومانه امام که همراه با اندوه و گریه است، نپرداخته‌اند، بلکه با کاربرد ترکیب‌ها و مفاهیم حماسی در پی دلاوری و رشادت‌های امام رضا^(ع) بوده‌اند.

۴. پی‌نوشت‌ها

۱. معروف عبدالمجید، محمد به سال ۱۹۵۲ میلادی، در استان قلیوبیه مصر به دنیا آمد. تحصیلات خود را در دانشگاه الأزهر و در رشته زبان و ادبیات سامی به پایان برد. سپس در دانشگاه ایتالیا در رشته کتیبه‌های سامی فارغ‌التحصیل شد. پس از آن به تحصیل در رشته آثار باستانی روم و یونان باستان در دانشگاه‌های زوریخ سوئیس و گوتینگ آلمان پرداخت و از این دانشگاه‌ها فارغ‌التحصیل شد. معروف عبدالمجید، علاوه بر تسلط کامل بر زبان و ادبیات عرب، به چند زبان زنده دنیا آشنایی کامل دارد. وی در سال ۱۹۴۸ میلادی و پس از چند سال مطالعه، تحقیق و جستجو مستبصر شد و به مذهب اهل بیت^(ع) گرویده‌است و هم‌اکنون به تدریس در محیط‌های دانشگاهی و فعالیت در رسانه‌های گروهی و از جمله، رادیو و تلویزیون برون مرزی ایران مشغول است. علاقه شدید وی به نویسندگی و سرودن شعر سبب شد کتاب‌های خود را با هزینه شخصی به چاپ برساند. معروف عبدالمجید از جمله شاعران معاصر شیعی است که بخش اعظمی از اشعار وی تجلی‌کننده زندگی فضائل ائمه^(ع) است. وی شعر خود را به عنوان سلاحی در خدمت تبلیغ مکتب الهام‌بخش شیعه به کار گرفته‌است. به همین سبب، درون‌مایه‌های متعهد شیعی، محور بسیاری از اشعار وی است. زبان شاعر، به‌ویژه در مقام مدح، زبانی روان و صریح است و از ابهام و پیچیدگی به دور است و توانسته در عین شیوایی لفظ و متانت اسلوب، در هر دو سبک شعر کلاسیک و شعر نو موفق باشد. شعر وی مستند به قرآن، احادیث، تاریخ اسلام و نیز احتجاج‌آمیز است که نشانگر آن است که شاعر با فرهنگ و معارف اسلامی همدم بوده‌است و به گونه‌ای بارز دست‌مایه هنرش را با آیات قرآن، غنایی خاص بخشیده‌است.

۲. مشفق تهرانی در ابتدای دیوان خود می‌نویسد: «این ذره بی‌مقدار (احمدبن محمد معمار) که از آغاز زندگی در کانون سینه‌ام آتش محبت ائمه اطهار^(ع) فروزان بود و قلبم در محبتشان سوزان و کسب معارف محمدی^(ص) آرزویم بود و تعالیم احادیث نبوی جستجویم. اما تمکن مادیم اجازه تحصیل علم نداد، تا اینکه در سنین بزرگی نیکو دانستم که ذوق سلیم و فکر مستقیم خود را به مطالعه آثار شعرای شیرین‌گفتار و عرفای پسندیده‌شعار متوجه سازم و چندی به این منوال گذشت، تا در خود ذوق گفتار

دیدم و گاه و ناگاه ابیاتی رسا و نارسا می‌گفتم، هرچند عروض و قافیه نیاموخته بودم و در حافظه از کتب و دواوین شعرا ذخیره‌ای نیندوخته، اما خرسند بودم که بدین قدرتم توانایی است و نهایت اشتیاقم مقصود نهایی. تا اینکه روزی با خود اندیشیدم حال که قدرت بر آبادی خانه دنیا ندارم، تعمیر خانه آخرت از دست فرونگذارم. طریق ولایت چهارده گوهر پاک را بپویم و فوز عظیمی را از آستان ملک پاسبان این خاندان بجویم. اینک که بر گفتار ناقصم دسترسی است، بیتی چند در مدیحشان بسرایم و در مقابل هر بیتی، بیتی در جهان دیگر بیاریم، تا در این نشأت فانی در نزد احرار و اخیار مفتخر بوده باشم و در عقبی شمول شفاعت رسول و آل - علیهم‌السلام - واقع شوم. این اندیشه چنان سراپای وجودم را تسخیر کرد که گویی پادشاهی دو کون را به من عرضه می‌دارند و من آن را در برابر این توفیق به چیزی نمی‌شمارم، تا آنکه مدتی در طلب این گنج رنج بردم و درری چند در مدیحشان بسفتم و این کتاب را که به مناقب‌المعصومین موسوم است، بگفتم» (مشفق تهرانی، ۱۳۳۴: ۲-۳).

۵. منابع

قرآن مجید.

- آقاخان‌بی‌ژنی، محمود. (۱۳۹۶). «سیره و فرهنگ رضوی؛ مبنای ادبیات پایداری». *فرهنگ رضوی*. بی‌پایه ۶ صص ۱۲۷-۱۵۵.
- ابن‌بابویه (صدوق)، محمدبن علی. (۱۳۶۳). *عیون الأخبار الرضا*. تصحیح سید مهدی حسینی، قم: کتاب فروشی طوس.
- احمدی بیرجندی، احمد و علی نقوی زاده. (۱۳۶۵). *جلوه‌های ولایت در شعر فارسی*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- حاجی‌زاده، مهین و مسعود باوان‌پوری. (۱۳۹۳). «بررسی مدح علوی در دیوان بلون الغار، بلون الغدیر اثر معروف عبدالمجید». *پژوهشنامه نهج‌البلاغه*. س ۲. ش ۸ صص ۱۳۹-۱۵۹.
- حسینی، حجت‌الله. (۱۳۹۵). *شعر معروف عبدالمجید (معرفی، تحلیل محتوای شعر متعهد شیعی)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی یحیی معروف. کرمانشاه: دانشگاه رازی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- حرّ عاملی، محمدبن حسن. (۱۴۰۹ ق.). *وسائل الشیعة*. ط ۱. قم: مؤسسه آل‌البتیت^(ع) لإحياء التراث. مجلسی، محمدباقر. (بی‌تا). *بحارالأنوار*. لبنان: مؤسسة الوفاء.
- عبدالمجید، معروف. (۱۴۲۰ ق.). *دیوان بلون الغار بلون الغدیر*. قم: مرکز الأبحاث العقائدية.
- فضل‌الله، محمدجواد. (۱۳۸۲). *تحلیلی از زندگانی امام رضا علیه‌السلام*. ترجمه محمدصادق عارف. مشهد: آستان قدس رضوی.
- قمی، عباس. (۱۳۹۴). *نفس المهموم*. قم: بقطه.

کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۲۹ق.). *اصول کافی*. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.

کفافی، محمد عبدالسلام. (۱۳۸۲). *ادبیات تطبیقی*. ترجمه حسین سیدی. ج ۱. مشهد: به نشر.

مشفق تهرانی، احمد. (۱۳۳۴). *دیوان*. ج ۱. تهران: کلاله خاور.

مدرسی، محمدتقی. (۱۳۷۲). *امامان شیعه و جنبش‌های مکتبی*. ترجمه آژیر و حمیدرضا. ج ۳. بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

ولوی، سیمین و مسعوده کوچکی. (۱۳۹۲). «مظاهر قیام حسینی در اشعار معروف عبدالمجید». *مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*. د ۹. ش ۲۹. صص ۱-۱۹.

هادیان رسانی، الهه. (۱۳۹۴). «چگونگی نمودِ روش‌های گفتمان قرآنی در احتجاجات امام رضا^(ع) و تفاوت آن با صناعات خمس در منطق». *فرهنگ رضوی*. س ۳. ش ۱۲. صص ۱۳۹-۱۶۴.

یوسفی، محمدرضا و زهرا منتظرپناه. (۱۳۹۳). «بازتاب سیره و فرهنگ رضوی در شعر دفاع مقدس». *مجموعه مقالات همایش امام رضا^(ع) در آیین ادبیات معاصر*. کرمانشاه: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی. صص ۱-۲۳.